

## تحلیل فقهی حکم خمر از منظر فقهای معاصر امامیه

محمد تقی سجادی فر\*

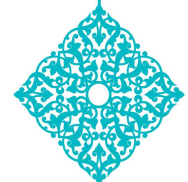
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

### چکیده

مساله خمر و سایر مسکرات از جمله مباحث مهم و کلیدی و مورد اختلاف از قدیم میان فقهای معظم بوده است. اساساً درباره خمر روایات و ادله به طور متناقض و در مقابل هم وجود دارد مضاف بر این مطلب اینکه مساله اختصاص به خمر داشته باشد یا نه نیز باید مورد گفتگو قرار بگیرد همچنین درباره استفاده و کارکردهای مختلف خمر نیز باید گفتگو صورت پذیرد چرا که ممکن است استفاده و بهره برداریهایی همچون نوشیدن یا استفاده به عنوان دارو و درمان یا اینکه درباره خواندن نماز و یا لزوم شستو و مواردی از این دست تحقق یابد فقهای معظم معمولاً ذیل انواع نجاسات به عنوان نجاست هشتم یا نهم در کتب فقهی خویش از عنوان خمر بحث و گفتگو کرده اند که ذیل آن به سراغ بررسی سایر مسکرات و احکام مرتبط نیز رفته اند آنچه که در این مقاله به عنوان نقطه کلیدی و ثقل بحث قرار به بررسی آن را داریم تتبع در روایات شریفه است که با توجه به آن تکلیف نجاست یا طهارت داشتن خمر مشخص می گردد.

کلیدواژگان: خمر، نجاست، اجماع، نوشیدن، فقهی.



## مقدمه

درباره بحث خمر مطالب و موارد مهمی قابل گفتگو و بررسی است. در این مقاله سعی بر این داریم که علاوه بر بررسی اقوال و احتمالات مطرح شده در خصوص حکم خمر سراغ روایات که عمده ترین دلیل موثر در حکم مساله است، به طور ویژه بپردازیم درباره خمر مطالب و موارد متعددی قابل بررسی است همچون حکم نوشیدن خود خمر و بقیه مسکرات یا حکم نماز در لباسی که خمر با آن برخورد داشته است و مواردی از این قبیل لکن آنچه که کلیدی است اینست که میان فقهای معظم از قدیم درباره حکم خمر اختلافات جدی وجود داشته است در خصوص مستندات و مدارک نیز با توجه به ادله اربعه سراغ هریک از آنها خواهیم رفت تا با بررسی ادله تحلیل کنیم که دلایل و مستندات فقهای که معتقد به نجاست خمر هستند دارای قوت است یا فقهای که معتقد به طهارت داشتن خمر می باشند فی الواقع نقطه ثقل تعیین تکلیف مساله وابسته به نوع نگاه و استظهار از روایات می باشد قول مشهور فقها نجاست داشتن خمر است لکن بزرگانی همچون مرحوم شیخ صدوق معتقد به طهارت هستند

### گفتار اول: بررسی ادله نجاست خمر

#### ۱. قرآن

آیه شریفه ۹۰ مائده بیان می دارد (انما الخمر و المیسر و الانصاب و الالزام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه)

استدلال بر آیه شریفه مبتنی بر اینست که رجس به معنای نجس باشد حال یا به صورت مطلقا چنین باشد یا اینکه حداقل در خصوص مقام بحث به جهت نقل اجماع حکایت شده در کتب فقها مبنی بر اینکه رجس به معنای نجس می باشد یا به جهت متناسب بودن با مقام و جایگاه و خداوند متعال و جوب اجتناب و دوری نسبت به موارد مذکوره در آیه شریفه را متفرع و وابسته بر این کرده است که موارد رجس باشند و از عمل شیطان شمرده شوند و محققا وابستگی و تفریع بر مطلق رجس که میان آنچه که اشکالی در ارتباط بدان و آنچه که لزوم اجتناب از آن وجود دارد مناسب و منطقی نیست ممکن است بگوییم موارد سه گانه ای که بعد از خمر قرار دارند از باب تنزیل مصداق برای خمر محسوب



می شوند و از باب اینکه نجس نیستند لکن به منزله نجاست تلقی می شوند چرا که قرینه عقلی دال بر این مطلب اقامه گردیده است و هیچ گونه قرینه ای نسبت به تنزیل و ادعا در خمر بودن اقامه نشده است پس حمل بر حقیقت خواهد شد که نتیجتاً موجب اثبات نجاست می شود (خمینی، کتاب الطهاره، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ص ۱۷۳).

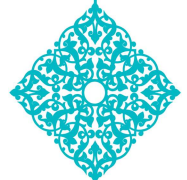
## ۲. اجماع

آنچه که اظهر و مشهور است از لحاظ نقل و تحصیل و همچنین از لحاظ قدیم و حدیث میان اصحاب امامیه و غیر از ایشان حکم به نجاست می باشد و اساساً در خصوص حکم نجاست شهرتی نزدیک به اجماع وجود دارد (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۸).

بلکه در کتب مختلفی به مخالف آن اعتنا و توجهی صورت پذیرفته است و اساساً نسبت به خصوص خمر هیچ گونه استثنایی برای مخالفت با نجاست بیان نگردیده است بلکه مطابق با ظاهر یا حتی صریح برخی کتب حکم در نزد همه مسلمانان همین است نه صرف مذهب امامیه همانند همه اینها در کتاب سرائر بعد از بیان نفی خلاف در خصوص حکم نجاست خمر از برخی اصحاب امامیه آنچه که مقتضی حکم به طهارت است حکایت گردیده است لکن بعد از آن بیان شده است که حکم به طهارت با اجماع مسلمین مخالفت دارد چه برسد به طائفه و گروهی خاص لذا اساس مطلب آنست که اجماع بر نجاست خمر محقق است (ابن ادریس، السرائر، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۷۵).

در کتاب ذکری شهید اول نیز آمده است فرد قائل به طهارت خمر به احادیث و روایاتی تمسک و استناد کرده است که توان مقابله و تعارض با حکم قطعی را ندارند (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۱۰).

مطالب دیگری مثل وجود اجماع مستفیض در کلام اصحاب در خصوص فحاشی بلکه هر مسکری نیز موجب تقویت حکم نجاست خمر می گردد بلکه اساساً این مطلب از بخش اخبار آحاد خارج شده و الزاماً داخل در مطالب قطعی یا متواتر می گردد همچنین مرحوم شیخ بهایی در کتاب حبل المتین بیان بسیار جالبی را در خصوص مسأله دارند: تمامی علماء خاصه و عامه در خصوص نجاست خمر اطلاق و اجماع دارند مگر عده ای





کم از ایشان که اساسا مخالفت آنها در هر دو فرقه غیر قابل اعتنا تلقی می گردد (شیخ بهایی، الحبل المتین، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ص ۴۵).

به نظر می رسد حکم نجاست خمر در خصوص هر مایع مسکری نیز قابل تحقق باشد لذا در کتب مختلفی از فقهای معظم داریم در کتاب غنیه آمده است: کل شراب مسکر نجس (حلی، غنیه النزوع، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۶۵). و در شرح رساله شهید ثانی نیز آمده است: الفقاع نجس بالاجماع (عاملی، رسایل، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۳). بلکه اساسا مرحوم سید مرتضی به اختلاف در مقام بحث یعنی حکم نجاست هیچ گونه اعتنایی نکرده است و معتقد است که ادله و مستندات واضحی بر تحریم نوشیدن تمامی مسکرات داریم لذا وجوبا و قطعا باید حکم نجاست نیز برقرار باشد چراکه نجاست تابع و ملازم با حرمت نوشیدن می باشد (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۱۲). با توجه به تمامی مطالب گفته شده آنچه که معلوم و مشخص است اینست که حرمت شرب و نوشیدن بقیه مسکرات در مذهب امامیه از جمله مطالب و امور مسلم بلکه ضروری تلقی می گردد بدون اینکه بین میزان و مقدار کم یا زیاد آن یا طبخ شده یا نشده آن گرفته و اخذ شده از انگور یا غیرانگور فرق و تفاوتی گذاشته شود بلکه حتی از شافعی و احمد و مالک و ثوری و لیث بن سعید و جمهور عامه موافقت در حکم مساله وجود دارد و صرفا از ابوحنیفه و برخی شاگردانش مطلبی خلاف فوق حکایت و نقل گردیده است ابوحنیفه در خصوص مسکرات حکم به اباحه داده است و فقط عصیر عنبی و نقیع خرما و زبیب را از آن استثناء کرده است همچنین ابوحنیفه حکم به حلیت و اباحه مطبوخ عصیر علی الثلث و مطبوخ نقیع تمر و زبیب نیز به صورت مطلق داده است البته نکته مهم آنست که ابوحنیفه در خصوص مطبوخ می گوید: آن مقداری که بعد از آن تحقق اسکار و مستی محقق می شود استثنای از حکم حلیت است و شیبانی که از شاگردان ابوحنیفه محسوب می شود نیز در خصوص مطبوخ عصیر و تمر و زبیب اشتراط علی الثلث را مطرح کرده است (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۱۴).

### ۳. روایات

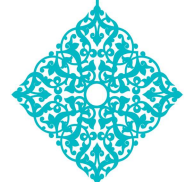
روایات که مهم‌ترین دلیل در مسأله تنجیس خمر است، طائفه و دسته‌های مختلفی وجود دارد:

دسته اول: روایاتی که ظهور در نجاست دارند اینها روایات متعددی هستند همانند روایاتی که در آنها امر و دستور به شستن ملاقی با خمر شده است یا نهی از خواندن نماز در لباسی که با خمر ملاقات داشته است

الف: موثقه عمار بن موسی «سألته عن الدن یكون فیه الخمر هل یصلح أن یكون فیه خل أو ماء کامخ أو زیتون؟ قال: إذا غسل فلا بأس، و عن الإبریق و غیره یكون فیه خمر أ یصلح أن یكون فیه ماء؟ قال: إذا غسل فلا بأس، و قال فی قدح أو إناء یشرب فیه الخمر قال: تغسله ثلاث مرات، و سئل أ یجزیه أن یصب فیه الماء؟ قال: لا یجزیه حتی یدلکه بیده و یغسله ثلاث مرات» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۳۲).

بخشها و فقرات مختلف روایت ظهور و بروز در تحقق نجاست دارند چرا که وقتی از امام علیه السلام در خصوص امکان داشتن استفاده از ظرفی که داخلش خمر بوده است به عنوان استفاده برای موارد دیگری همچون سرکه سوال می شود امام علیه السلام شرط استفاده را شستن ظرف بیان می کنند و همین بیان امام علیه السلام در بخشها و سوالات مختلف پرسیده شده توسط راوی بیانگر آنست که ظرف بواسطه خمر دارای نجاست است که نیازمند به شستشو است و در بخش انتهایی روایت که گویا صراحت در نجاست دارد امر امام (علیه السلام) به شستشو سه باره و عدم کفایت اصابت آب شده است

ب: موثقه دیگر از عمار «عن ابي عبد اللّٰه عليه السلام قال: «لا تصل فی ثوب أصابه خمر أو مسکر، و اغسله إن عرفت موضعه، فان لم تعرف موضعه فاغسله كله، فان صلیت فیه فأعد صلاتک» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۳۴). در روایت فوق امام علیه السلام می فرمایند نباید در لباسی که خمر یا مسکر دیگری بدان برخورد و اصابت داشته است نماز خوانده شود و اساسا اگر علم به موضع و مکان برخورد وجود داشته باشد الزاما باید شستشو همان محل انجام شود و در غیر اینصورت باید کل آن شسته شود و امام علیه السلام در انتها می فرمایند در صورت خواندن نماز در چنین لباسی و متوجه





شدن بعد از خواندن نماز الزاما باید نماز اعاده و تکرار شود. همین بیان به روشنی مشخص می‌کند که حکم نجاست خمر واضح و مبرهن است

ج: و روایه ابی جمیله قال: «كنت مع یونس ببغداد و أنا أمشی فی السوق، ففتح صاحب الفقاع فقاعه فقفز فأصاب ثوب یونس فرأیته قد اغتم لذلك حتی زالت الشمس، فقلت له: یا أبا محمد أ لا تصلی؟ قال: فقال لی: لیس أرید أن أصلی حتی أرجع إلى البیت فأغسل هذا الخمر من ثوبی، فقلت له: رأی رأیته أو شیء ترویه؟ فقال: أخبرنی هشام بن حکم أنه سأل أبا عبد الله علیه السلام عن الفقاع فقال: لا تشربه فإنه خمر مجهول، فإذا أصاب ثوبک فاعسله» (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۳: ۱۴۱ق: ج ۲، ص ۵۳). در این روایت جریانی مبنی بر حضور در بازار بغداد نقل می‌گردد و بعد از عبور در بازار برخوردی میان لباس یونس با فقاعی که در مغازه فروشنده آن وجود داشته است صورت می‌پذیرد بعد از این جریان و رسیدن وقت نماز یونس می‌گوید برای خواندن نماز باید پیراهنم را بشویم لذا باید تا رسیدن به خانه صبر کنم؛ چرا که در این خصوص هشام بن حکم در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که نوشیدن فقاع ممنوع است از این باب که فقاع همان خمر مجهول تلقی می‌گردد و در صورت برخورد فقاع با لباس لزوماً لباس باید تطهیر گردد باز هم به روشنی حکم نجاست خمر و فقاع که جزو مایعات مسکر است از روایت قابل استفاده و استنباط است

د: صحیححه علی بن جعفر قال: «سألته عن النضوح یجعل فیہ النبیذ أ یصلح للمرأة أن تصلی و هو علی رأسها؟ قال: لا، حتی تغتسل منه» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۷: ۱۴۰ق: ج ۴، ص ۱۲۴).

در این روایت در خصوص امکان خواندن نماز برای خانمی که پارچه که برخورد با نبیذ داشته است و هنگام نماز بر سر اوست سوال پرسیده شده است و امام علیه السلام در پاسخ فرموده اند که چنین کاری درست نیست و باید الزاما شستشو صورت پذیرد

دسته دوم: روایات صریح یا شبیه به صریح در خصوص حکم نجاست خمر

الف: روایت ابی بصیر در حدیث ام خالد در خصوص درمان و تداوی بواسطه نیبذ  
«قال أبو عبد الله عليه السلام: ما يبيلّ الميل ينجس حبا من ماء، يقولها ثلاثا» (کلینی، الکافی،  
۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۵).

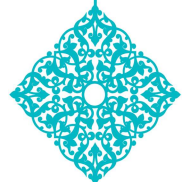
ب: روایت حسنه یا صحیحه خیران خادم قال: «کتبت إلى الرجل أسأله عن الثوب  
يصيبه الخمر و لحم الخنزير

أ يصلى فيه أم لا؟ فإن أصحابنا قد اختلفوا فيه، فقال بعضهم: صلّ فيه فإن اللّه انما  
حرم شربها، و قال بعضهم: لا تصل فيه، فوقع: لا تصل فيه فإنه رجس» (نوری، مستدرک  
الوسایل، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ص ۲۴۷).

در این روایت از امام (علیه السلام) بواسطه نامه و نوشته ای در خصوص امکان داشتن  
یا نداشتن خواندن نماز در لباسی که خمر و گوشت خوک با آن اصابت و برخورد داشته  
است سوال صورت می پذیرد اساسا وجه این پرسش هم مطابق با آنچه که در روایت نقل  
شده است اختلاف دیدگاه میان اصحاب و فقهای معظم بوده است چرا که برخی از ایشان  
معتقد بودن که از آنجایی که خداوند متعال نوشیدن خمر را حرام کرده است مشکلی در  
خصوص خواندن نماز در چنین لباسی وجود ندارد لکن برخی دیگر از فقهای معظم می  
فرمودند که نباید نماز در آن خوانده شود امام علیه السلام در نامه ای مکتوب پاسخ دادند  
که به جهت اینکه خمر رجس و دارای نجاست است قطعا نباید در چنین لباسی نماز  
خوانده شود

ج: صحیحه عبدالله بن سنان قال: «سأل أبي أبا عبد الله عليه السلام و أنا حاضر أني  
أعير الذمي ثوبي و أنا أعلم أنه يشرب الخمر و يأكل لحم الخنزير فإغسله قبل  
أن أصلى فيه؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: صل فيه و لا تغسله من أجل ذلك، فإنك  
أعرتة إياه و هو طاهر، و لم تستيقن أنه نجسه، فلا بأس أن تصلى فيه حتى تستيقن أنه  
نجسه (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۷۴).

با توجه به ظاهر از روایت شریفه مفروغ و مفروض بودن حکم نجاست خمر و گوشت  
خوک قابل اثبات و صرفا پرسش و سوال در خصوص شبهه موضوعیه بحث می باشد لذا  
امام علیه السلام در پاسخ نسبت به آنچه که باید می دادند فرمودند از آنجایی که فرد می





داند در صورت ملاقات با خمر تحقق و صیوررت نجاست محقق است مخصوصا با توجه به این نکته که همراهی و اقتران با گوشت خوک نیز وجود داشته است

د: روایت صحیح‌ه هارون بن حمزه الغنوی از امام صادق علیه السلام «فی رجل اشتکی عینیه، فنعت له بکحل یعجن بالخمیر، فقال: هو خبیث بمنزلۃ المیتة، فإن کان مضطرا فلیکتحل به» (عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۷۸).

در روایت در خصوص درمان چشمان فردی بواسطه معجون‌ی که دارای خمر بوده است مساله وجود داشته است.

امام (علیه السلام) نیز خمر را نازل منزله و در جایگاه میته و مردار قرار داده است و از این همراهی و نازل منزله بودن خمر با مردار امکان استفاده حکم نجاست خمر قابل اثبات و تصویر است

دسته سوم: روایات دال بر امر کردن به اهراق و دور ریختن نسبت به آنچه که با خمر ملاقات کرده است

مثل روایت زکریا بن آدم قال: «سألت أبا الحسن علیه السلام عن قطرة خمر أو نبيذ مسكر قطرت فی قدر فیه لحم كثير و مرق كثير، قال: يهراق المرق أو تطعمه أهل الذمة أو الكلب، و اللحم اغسله و كله، قلت: فإنه قطر فیه دم؟ قال: الدم تأكله النار إن شاء اللّٰه، قلت: فخمیر أو نبيذ قطر فی عجين أو دم؟ قال: فقال: فسد، قلت: أبيععه من اليهود و النصارى و أبین لهم؟ قال: نعم، فإنهم يستحلون شربه، قلت: و الفقاع هو بتلك المنزلة إذا قطر فی شیء من ذلك؟ قال: فقال: أكره أن أكله إذا قطر فی شیء من طعامی» (عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۸۸).

در این روایت امام علیه السلام در پاسخ به سوالی مبنی بر ریخته شدن قطره ای از خمر یا نبيذی که موجب اسکار می شود در ظرف غذای دارای آب و گوشت فراوان فرمودند که باید چنین مخلوطی بواسطه ریخته شدن خمر و یا نبيذ دور ریخته شود یا اینکه به عنوان غذای اهل ذمه و یا حتی سگها مورد استفاده قرار بگیرد البته در خصوص گوشت‌های موجود در ظرف امام علیه السلام فرمان به شستن آنها و امکان خوردن بعد از



شستن داده اند همین امر امام علیه السلام بیانگر اینست که خمر یا نیبذ مذکور دارای ویژگی نجاست بوده است که امام علیه السلام چنین دستوری داده اند و حسنه عمر بن حنظله قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما ترى في قرح من مسكر يصب عليه الماء حتى تذهب عاديته و يذهب سكره؟ فقال: لا و الله و لا قطره قطرت في حب إلا أهریق ذلك الحب»

اطلاق روایت عمر بن حنظله مقتضای آنست که لزوم اهراق و دور ریختن هر آنچه که با خمر ملاقات کرده است باید صورت پذیرد ولو مثل روغن و دبس باشد (خمینی، کتاب الطهاره، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ص ۱۹۶).

### گفتار دوم: بررسی ادله طهارت خمر

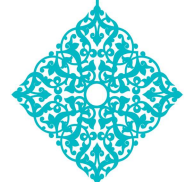
اول: اصل در مساله که همان اصاله الطهارت یا قاعده طهارت است البته شاید اصل استصحاب هم مدنظر باشد هر یک از این عناوین میتواند به عنوان دلیل و حجت مبنی بر طهارت داشتن خمر قرار بگیرد (نراقی، مستند الشیعه، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۹۳).

دوم: تعدادی از اخبار و روایات

عمده ترین دلیل قایلین به طهارت خمر بحث روایات شریفه است لذا باید روایات مورد استناد و تمسک ایشان را مورد بررسی و دقت قرار بدهیم تا بتوانیم اظهار نظر صحیحی در خصوص حکم مساله کنیم (حکیم، مستمسک، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۷۳).

روایت اول: صحیح ابن ابی ساره قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن أصاب ثوبی شیء من الخمر أصلی فیه قبل أن أغسله قال: لا بأس إن الثوب لا یسکر (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۷۲).

مطابق روایت فوق امام علیه السلام در خصوص خواندن نماز در لباسی که خمر بدان برخورد و اصابت داشته است فرموده است اشکالی ندارد که قبل از شستن لباس نماز اقامه گردد همچنین امام علیه السلام در خصوص دلیل و سبب مطلب فرموده اند در لباس اسکاری حاصل نمی گردد لذا مشکلی در خواندن نماز در چنین لباسی که با خمر برخورد داشته است وجود ندارد.





روایت دوم: موثقه ابن بکیر قال: سأل رجل أبا عبد الله عليه السلام - وأنا عنده - عن المسكر و النبيذ يصيب الثوب؛ قال: لا بأس (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۷۷).  
امام (علیه السلام) در پاسخ به سوال در خصوص حکم برخورد و اصابت مسکرات و نبیذ با پیراهن فرموده اند هیچ اشکالی ندارد.

روایت سوم: صحیحہ علی بن رثاب قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الخمر و النبيذ المسكر يصيب ثوبی أغسله أو أصلى فيه؟ قال: صلّ فيه إلّا أن تقدّره فتغسل منه موضع الأثر، إنّ الله تبارك و تعالی إنّما حرّم شربها (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۷۹). در روایت صحیحہ علی بن رثاب آمده است از امام صادق علیه السلام در خصوص برخورد خمر و نبیذ مسکر با پیراهن سوال مبنی بر اینکه لزومی دارد که شستشو انجام بدهم یا اینکه میتوانم در همین لباس نیز نماز بخوانم.

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند که هیچ اشکالی برای خواندن نماز در چنین لباسی وجود ندارد مگر اینکه این خمر و یا نبیذ موجب قذارت و کثیفی شود که در اینصورت صرفاً باید موضع و محل قذارت مورد شستشو قرار بگیرد و در مقام تعلیل حکم نیز امام علیه السلام فرمودند که خداوند متعال صرفاً نوشیدن شراب را حرام نموده است لذا موارد دیگر از قبیل خواندن نماز در لباسی که با آن برخورد داشته است اشکالی ندارد

روایت چهارم: روایت حسین بن موسی الحنّاط قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يشرب الخمر ثمّ يمجّه من فيه فيصیب ثوبی، فقال: لا بأس (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۸۲).

در این روایت هم مشابه مطالب قبلی در بیان امام علیه السلام مبنی بر عدم اشکال به چشم می خورد

روایت پنجم: روایت ابی بکر الحضرمی قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام: أصاب ثوبی نبیذ، أصلى فيه؟ قال: «نعم» قلت: قطرة من نبیذ قطرت فی حبّ، أشرب منه؟ قال: «نعم، إنّ أصل النبيذ حلال، و إنّ أصل الخمر حرام» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۸۳). در روایت فوق از امام صادق علیه السلام در خصوص برخورد نبیذ با پیراهن

و امکان داشتن یا نداشتن خواندن نماز در چنین لباسی سوال صورت پذیرفته است امام علیه السلام نیز در پاسخ فرموده اند که مشکلی در خواندن نماز نیست همچنین در ادامه پرسشی در خصوص ریختن قطره ای از نبیذ در ظرف و امکان داشتن یا نداشتن نوشیدن از ظرف صورت پذیرفته است امام علیه السلام در پاسخ به این پرسش هم فرموده اند که بازهم هیچ گونه اشکالی در خصوص نوشیدن نیست چرا که اصل و اساس نبیذ حلال بودن است و اصل خمر حرمت داشتن است

روایت ششم: حفص الاعور قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الدنّ يکون فيه الخمر ثمّ يجفّف، يجعل فيه الخلّ، قال: نعم (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۸۵)

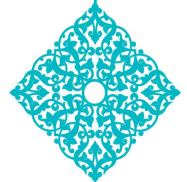
حفص از امام صادق علیه السلام در خصوص ظرفی که داخل آن خمر بوده است سوالی مبنی بر اینکه اگر بعد از خشک شدن ظرف در آن سرکه قرار داده شود اشکالی دارد یا ندارد می پرسد که امام علیه السلام می فرمایند هیچ گونه اشکالی ندارد

روایت هفتم: مرسله شیخ صدوق قال: سئل أبو جعفر عليه السلام و أبو عبد الله عليه السلام، فقيل لهما: إنّنا نشترى ثيابا يصيبها الخمر و ودك الخنزير عند حاكتها أ فنصلی فیها قبل أن نغسلها؟ فقالا: «نعم، لا بأس، إنّ الله إنّما حرّم أكله و شربه و لم یحرّم لبسه و لمسه و الصلاة فيه»

در این روایت که منقول از دو امام باقر و صادق علیهما السلام است در خصوص امکان خواندن نماز در لباسی که با خمر و چربی خوک برخورد داشته است قبل از شستن لباس سوال پرسیده شده است که هر دو امام بزرگوار حسب نقل فرموده اند هیچ گونه اشکالی ندارد چرا که آنچه که توسط خداوند متعال مورد تحریم قرار گرفته است نوشیدن و خوردن بوده است و اساسا خداوند متعال پوشیدن و لمس و یا خواندن نماز در چنین لباسی را حرام ننموده است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۵۵).

### گفتار سوم: بررسی احتمالات مختلف

با وجود تمامی مطالب و گزاره های بیان شده به نظر می رسد نتیجتا باید بگوییم در مقام و محل بحث صرفا چهار احتمال قابل تصور و بیان کردن باشد چرا که هر دو دسته





روایات دال بر طهارت و نجاست خمر قابل اعتنا و توجه می باشد (خویی، التتقیح، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۹۳).

احتمال اول: مقدم کردن اخبار دال بر نجاست بر اخبار طهارت از این جهت که روایت صحیحه خیران خادم را داریم

احتمال دوم: مقدم کردن اخبار دال بر طهارت بر روایات نجاست به جهت جمع عرفی که طبیعتاً مقتضی حمل ظاهر از آنها بر نص یا حمل ظاهر بر اظهر خواهد بود و همچنین حمل کردن اوامر و دستورات وارده در خصوص شستن موارد برخورد کننده و اصابت شده با خمر بر استحباب و تنزه داشتن

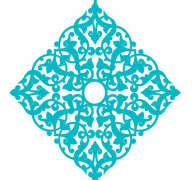
احتمال سوم: مقدم کردن اخبار طهارت بر اخبار نجاست بواسطه مخالفت داشتن اخبار طهارت با عامه البته بعد از آنکه معتقد به عدم امکان جمع عرفی میان دو طائفه و گروه از اخبار شویم

احتمال چهارم: متوقف شدن در بحث به جهت تحقق تعارض و تکافو دو گروه و طائفه چرا که هریک از این دو طائفه از جهتی دارای موافقت و از جهت دیگر دارای مخالفت با عامه می باشد لذا اخبار دال بر طهارت از جهت عمل عامه موافق با آنها و از جهت حکمی و فتوایی مخالفت با آنها را دارا هستند کما اینکه روایات دال بر نجاست خمر بر حسب حکم با عامه دارای موافقت بوده و از جهت عمل و رفتاری با آنها مخالفت دارد لذا ترجیح و تقدیمی در بحث وجود نداشته و هر دو گروه ساقط می شوند و نتیجتاً باید در این حالت معتقد به توقف شویم تمامی احتمالات و فروضی که در مساله قابل فرض و تحقق می باشد موارد فوق می باشد لذا باید با توجه به جمیع ادله و مستندات و نحوه استظهار از روایات شریفه بتوانیم مساله را مورد بررسی و تطبیق قرار بدهیم (خویی، التتقیح، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۹۶). به نظر می رسد آنچه که از تمامی روایات و مذاق شارع مقدس قابل اصطیاد باشد حکم به نجاست خمر است چرا که اساساً با توجه به اینکه مشهور فقهای معظم از قدیم الایام در این خصوص معتقد به نجاست بوده اند و با توجه به اینکه مقتضای احتیاط کردن در چنین اموری تحفظ بر نجاست داشتن است می توانیم

قول به نجاست را اقوی و مطابق با احتیاط بدانیم مخصوصا با توجه به اینکه روایات دال بر طهارت نیز قابل حمل بر موارد و مطالبی غیر از مدعای افراد را دارا هستند

### نتیجه گیری

با توجه به آنچه که بیان کردیم مشخص گردید که در مساله خمر و بقیه مسکرات دو قول به طور متقابل و متضاد وجود دارد یعنی قول به نجاست داشتن و قول به طهارت داشتن خمر در خصوص هر یک از این دو قول هم به بررسی و بیان مستندات و ادله هر یک مخصوصا روایات که عمده ترین دلیل هر دو طرف بود پرداختیم به نظر می رسد اساس تنها آیه شریفه مورد استناد جهت قول به نجاست داشتن خمر قابل خدشه و ابهام باشد و نمی توانیم از قرآن کریم به طور دقیق و مستند در خصوص این بحث استفاده کنیم همچنین مساله عقلی نیز نمی باشد تا بخواهیم از دلیل عقل به عنوان مستند و مستمسک بهره ببریم و اجماعات و شهرتهای موجود نیز از آن جهت که مدرکی هستند قابلیت اعتنا و توجه ندارند لذا آنچه که به عنوان کلیدی ترین و عملا تنها ترین دلیل باقی است بحث روایات و اخبار شریفه است در خصوص اخبار هم هر دو گروه به اخبار و روایات متعددی استناد داشتند لکن به نظر می رسد با توجه به روایت صحیحه خیران خادم و برخی روایات دیگر حکم به نجاست داشتن خمر منطقی و قابل قبول باشد مضاف بر اینکه چنین حکمی مطابق با احتیاط داشتن در مساله نیز است.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. حکیم، محسن طباطبایی، «مستمسک العروة الوثقی»، ج ۱، چ ۱، مؤسسه دار التفسیر، قم، ۱۴۱۶ق.
۲. حلبی، حمزه بن علی، «غنیة النزوع»، ج ۱، چ ۲، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۷ق
- نوری، میرزا حسین، «مستدرک الوسائل»، ج ۱۳، چ ۳، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳. حلّی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۴. خمینی، روح اللّٰه، «کتاب الطهارة»، ج ۳، چ ۴، چاپخانه حکمت، قم، ۱۳۷۶ق.
۵. خویی، ابو القاسم، «التنقیح فی شرح العروة الوثقی»، ج ۲، چ ۲، مؤسسه النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۸ق.
۶. طوسی، محمد بن حسن، «تهذیب الأحکام» ج ۷، چ ۴، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۵، چ ۴، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- همدانی، آقا رضا، «مصباح الفقیه»، ج ۷، چ ۱، مؤسسه النشر الإسلامي، تهران، ۱۴۱۶ق.
۷. عاملی، زین الدین، «رسائل الشہید الثانی»، ج ۲، چ ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۲۱ق.
۸. عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعة»، ج ۱۸، چ ۱، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۹. عاملی، محمد بن حسین، الحبل المتین، ج ۱، چ ۱، کتابفروشی بصیرتی، قم، ۱۳۹۰ق.
۱۰. قمی، محمد بن بابویه، «من لا یحضره الفقیه»، ج ۴، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.



١١. نجفي، محمد حسن، «جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام»، ج٦، ج٧، دار إحياء التراث، بيروت، ١٤٠٤ق.
١٢. نراقي، احمد، «مستند الشيعة في أحكام الشريعة»، ج١، ج٢، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤١٥ق.

